خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۵ . ۲۶ ذی القعده ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۳۴۰

وزیر کشور: صبح بعد از انتخابات ۹۲، ۱+۵ تقاضای مذاکره کرد

ایرنا- عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور با اشاره به حضور باشکوه مردم در انتخابات سال ۹۲ گفت: صبح بعد از رای گیری، کشورهای ۱+۵ تقاضا کردند که حاضریم مذاکره کنیم و این در حالی بود که آنان چند ماه قبل از انتخابات سال ۹۲ میز مذاکره را ترک کرده بودند. وی ادامه داد: در مذاکرات نیز روی اصول خود ایستادیم و بر حق غنی سازی، تعداد سانتریفیوژها، لغو قطعنامه ها و لغو تحریم ها تاکید کردیم.

تحلیل روز

بررسی اما و اگرهای جبهه شرق برای حل بحران سوریه

مشارکت ایران، روسیه و ترکیه؛ اتحاد راهبردی یا فهم مشترک از بحران؟

طی یک ماه گذشته شاهد وقوع معادلاتی جدید در عرصه سیاسی منطقه بوده‌ایم. کاراکتر اصلی این عرصه جدید، کشور ترکیه و شخص رجب طیب اردوغان است. پس از کنار گذاشته شدن احمد داوود اوغلو از منصب نخست وزیری ترکیه در کنگره حزب عدالت و توسعه در ۲۲ می ۲۰۱۶ و متعاقب آن روی کار آمدن بینالی ییلدریم شاهد چرخشی بزرگ در رویکرد سیاست خارجی ترکیه بودیم.

ییلدریم رویکرد تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با کشورهای همسایه و روسیه را در دستور کار وزارت خارجه ترکیه قرار داد. از جمله مهم‌ترین نمودهای اولیه این موضوع را می‌توان در مواردی همانند عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی، موافقت با ابقای مشروط بشار اسد در قدرت به مدت ۶ ماه، آغاز تلاش‌ها برای تنش‌زدایی با حکومت مصر و عذرخواهی آشکار و نوشتن نامه به پوتین مشاهده نمود.

در بطن این تغییرات در رویکرد سیاست خارجی ترکیه، وقوع کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ در تسریع چرخش‌های حاکم بر نگاه دولتمردان ترک تاثیری چشمگیر داشت. بعد از وقوع کودتا اردوغان و ییلدریم به این اقناع رسیدند که کلید حل مشکلات سیاست خارجی این کشور در عرصه تحولات منطقه بعد از ۲۰۱۱ را می‌بایست در بحران سوریه جستجو کنند.

مواضع و اقدامات ترکیه در سال‌های بعد از آغاز بحران سوریه در ۲۰۱۱ نتایج مورد نظر مقامات ترک را در پی نداشت. نه تنها کردها تضعیف نشدند، بلکه شاهد پیشرفت چشمگیر کردهای سوریه در نواحی شمالی سوریه و مرزهای هم‌جوار ترکیه بودیم. هم‌چنین، حکومت بشار اسد نه تنها سقوط نکرد، بلکه نیروهای تحت حمایت آنکارا در سوریه (جیش الفتح، جیش الاسلام و حتی داعش)، از ابتدای سال ۲۰۱۶ شکست‌های پی‌درپی را متحمل شدند.

در همین راستا، وزیر امور خارجه ترکیه مولود چاووش اوغلو اظهار داشت که کلید موفقیت ترکیه در خاورمیانه در گروی حل بحران سوریه با بازیگران دخیل در عرصه می‌باشد. مهم‌ترین تلاش عملی مقامات ترکیه برای تغییر رویه نسبت به بحران سوریه را می‌توان در تلاش اردوغان برای دیدار با مقامات روسیه و ایران مورد توجه قرار داد. دیدار اردوغان با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در ۹ آگوست (۱۹ تیر ۹۵) در سن پترزبورگ را می‌توان نقطه عطف مطرح شدن مساله تغییر معادلات در منطقه دانست.

آن‌چنان که اردوغان در دیدار اخیر خود از روسیه می گوید همکاری میان مسکو و آنکارا در حل بسیاری از مشکلات منطقه‌ای می‌تواند تاثیر گذار باشد. در ادامه همین روند سفر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران به آنکارا در ۱۲ آگوست ۲۰۱۶ (۲۲ تیر ۹۵) و متعاقب آن سفر مولود چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه به تهران در ۱۸ آگوست (۲۸ تیر ۹۵) را می‌توان آغاز توافقات سیاسی و دیپلماتیک جدید، در ارتباط با آینده سوریه دانست. این رویدادها و نشست‌ها، این گمانه‌زنی را مطرح کرده است که جبهه متحد ایران، روسیه و ترکیه در منطقه در حال شکل گیری است. هم‌چنین، با ورود مشاوران نظامی چینی به دمشق، در قامت آموزش نیروهای نظامی حکومت مرکزی سوریه این سناریو را مطرح کرده است که شاهد جبهه منسجمی از شرق در برابر غرب در بحران سوریه هستیم.

■ **اما و اگرهای جبهه شرق**

با وجود این تفاسیر آن‌چه که اکنون مطرح می‌باشد این مساله است که آیا جبهه متحد موسوم به جناح شرق، در عرصه عمل می‌تواند هماهنگی منافع و همکاری‌های لازم را داشته باشد یا خیر؟ هم‌چنین، آیا در عرصه عینی نسبت به تحولات سوریه، ائتلاف روسیه، ایران، ترکیه و چین می‌تواند ائتلافی قابل اطمینان و دارای ثبات باشد یا خیر؟ دیگر مساله این است که این ائتلاف تا چه اندازه توانایی پایان بخشیدن به بحران سوریه را دارد؟ به عبارت دیگر، آیا ترکیه این وزن سیاسی را دارد که بتواند نیروهای مخالف حکومت مرکزی را به پایان درگیری‌ها راضی کند و ثبات سیاسی را به ترکیه بازگرداند؟

بدون تردید حل معمای سوریه نیاز به برداشتن گام‌های عملی و البته به کاربردن نظامی گری دارد. در عرصه‌ای که تمام بازیگران تجربه خشونت عریان و تمام عیار را داشته‌اند؛ جنگ بخش اصلی راه‌حل می‌باشد.

در یک سوی تغییرات استراتژیک منطقه‌ای می‌توان به بازیگری ایران و روسیه اشاره داشت. در سوی دیگر، می‌بایست به بازیگری جدید ترکیه در عرصه بحران سوریه توجهی ویژه داشت.

آن‌چه در عرصه معادلات عینی تا کنون اتفاق افتاده است، عدم رضایت ترکیه به واگذاری جبهه نبرد شمال به ایران و روسیه است. در واقع، آنکارا مخالف کنترل کامل شهر حلب از سوی نیروهای حکومت مرکزی سوریه می‌باشد.

طی چند ماه گذشته، نیروهای بشار اسد با کنترل جاده کاستیلو در شرق حلب عرصه محاصره را بر نیروهای جیش الفتح و فتح الحلب تنگ کرده اند؛ اما در میدان جنوبی در گیری‌های حلب شاهد بودیم که نیروهای تحت حمایت ترکیه موفق به شکستن محاصره شدند و در مقطع فعلی سقوط این شهر را منتفی کردند.

هم‌چنین، ترکیه در معادلات جدید خواهان همراه کردن ایران، روسیه و حکومت مرکزی سوریه برای مقابله با کردهای سوریه است. هدف اصلی ترکیه اقناع این نیروها برای شکست دادن تجربه فدرالیسم کردها می‌باشد. با دقت نظر در نوع کنش ایران، روسیه و ترکیه در تحولات جدید به هیچ‌عنوان نمی‌توان از اتحاد استراتژیک میان این ۳ قدرت سخن به‌میان آورد. آن‌چه در حال وقوع است نوعی فهم مشترک از مساله بحران سوریه است. هنوز هم در استراتژی‌های کلان ناهمخوانی میان منافع ایران و روسیه با ترکیه در بحران سوریه وجود دارد.

مساله ابقای بشار اسد در قدرت، چگونگی برخورد با نیروهای معارض حکومت مرکزی و در نهایت چگونگی تعامل با حکومت فدرال کردها در شمال سوریه از جمله موضوعاتی هستند که زمینه‌های عدم اتحاد استراتژیک میان سه کشور را ایجاد کرده‌اند. در کنار این موضوع، زمانی که واکنش‌های عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا نسبت به اتحاد راهبردی میان ایران، روسیه، ترکیه و حکومت مرکزی سوریه را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان اظهار داشت که تحولات اخیر در اتحادهای راهبردی منطقه با کاراکتری اصلی ترکیه، در کوتاه مدت نه تنها پایان بخش بحران سوریه نیست؛ بلکه زمینه پیچیده‌تر شدن و شکل گیری اتحادهای جدیدی را میان بازیگران حاضر در سوریه ایجاد می‌کند.

منبع: پایگاه خبری تحلیلی الوقت

راند پایانی پینگ پنگ ریاست شورای شهر چهارم پایتخت منتظر رای ورزشکاران

آخرین شهرآورد «بهشت»

آخرین رئیس شورای چهارم تهران فردا از بین «چمران» و «مسجدجامعی» انتخاب خواهد شد

ادیب
info@khorasannews.com

براساس گزارش‌های منتشر شده، فردا سه‌شنبه آخرین پرده از رقابت تکراری برای ریاست یکساله چهارمین شورای شهر تهران برگزار می‌شود تا ببینیم امتیاز پایانی شهرآورد سیاسی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در شورای شهر چهارم با کدام طرف خواهد بود و در نهایت آیا مهدی چمران صندلی «بهشت» را به احمد مسجد جامعی می دهد یا نه؟ برای پاسخ به این پرسش گزارش خراسان را بخوانید؛ البته ابتدا باید کمی به عقب برگردیم.

■ **راند اول با اصلاح طلبان**

شورای شهر چهارم تهران برخلاف دوره‌های سوم و دوم، یک‌طرفه نبود و هر دو قطب اصلاح‌طلب و اصولگرا با آرای لب مرزی در آن سهیم بودند. این را از انتخاب پرحاشیه قالیباف در سال ۹۲ و تک‌رأی تعیین کننده الهه راستگو می توان فهمید؛ رأیی که یک بار دیگر مباحث تکراری تحزب و باید و نبایدهای رای حزبی را به صدر رسانه ها آورد. انتخابات ریاست شورای شهر چهارم اما در سال اول برخلاف انتخاب شهردار به کام اصلاح‌طلبان بود؛ جایی که وزیر ارشاد دولت اصلاحات توانست با اختلافی اندک (فاصله یک رأی) بر کرسی ریاست شورا تکیه زند تا پس از استقرار شیخ دیپلمات در پاستور دومین کرسی ریاست در عرض کمتر از یک ماه به اصلاح‌طلبان برسد.

■ **کشتی؛ تعیین کننده دومین رئیس شورای شهر!**

این اما همه ماجرا نبود؛ چه این که اصولگرایان بیکار ننشسته و به دنبال بازپس گیری موقعیت از دست داده بودند. به همین دلیل عزم خود را جزم کردند تا در آغاز دومین سال شورای شهر مهدی چمران را به کرسی ریاست برگردانند. امری که با ۱۸ رأی چمران در برابر ۱۳ رأی مسجدجامعی رخ داد. این نتیجه شگفت انگیز البته به لطف چرخش رای عباس جدیدی، الهه راستگو و احمد دنیامالی بود که در سال ۹۲ به مسجدجامعی رای داده بودند. اما در سال ۹۳ به سمت چمران چرخش کردند. علیرضا دبیر دیگر عضو شورای شهر تهران در انتخابات سال ۹۳ درباره آرای ورزشکاران گفته بود: «ورزشکاران شورا دو دوتا چهارتای سیاسی می کنند.» به هر حال سال گذشته به رغم مطرح شدن نام «دنیامالی» گزینه اصولگرای شورای شهر، دوباره چمران نامزد شد و باز هم بر مسجدجامعی پیروز شد. پیروزی چمران البته مرهون انتقادها به مدیریت مسجدجامعی هم بود. انتقادهایی که سخنان ۲ سال پیش رئیس دولت اصلاحات بخشی از آن بود. به ادعای باشگاه خبرنگاران، رئیس دولت هشتم گفته بود: «با این نوع مدیریت حق ما بود که ریاست شورا را از دست بدهیم. بیشتر وقت مسجدجامعی در ارتباط با میراث فرهنگی می گذشت. شغل وی شده بود تهران گردی و به جای اینکه به مشکلات کلان شهر تهران برسد و کار تشکیلاتی انجام دهد، به تهران گردی می‌پرداخت.»

■ **«بهشت» بهشت اصولگرایان می‌شود؟**

در این شرایط باید دید امسال برای سومین سال پیاپی یک «اصولگرا» بر کرسی ریاست تکیه می زند تا شادی اصولگرایان (جز در سال اول شورای چهارم) کامل شود یا خیر. ذکر این نکته لازم است که انتخابات هیئت رئیسه تنها محدود به رئیس شورا نیست؛ شورای شهر یک معاون، یک سخنگو و ۲ منشی هم دارد. در هر یک از سمت ها هم دقیقاً مانند ریاست شورا، نبرد اصلاح‌طلبان با اصولگرایان جدی و میلی متری است. ۱۳ اصلاح‌طلب، ۱۴ اصولگرا در مقابل ۴ عضو نسبتاً مستقل شورای شهر چهارم یعنی هادی ساعی، علیرضا دبیر، حسین رضازاده و عباس جدیدی، فردا نتیجه انتخابات را مشخص می کنند تا شورای شهر چهارم با ترکیب آخرین هیئت رئیسه خود به پیشواز انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر برود.

■ **نگاه اصلاح‌طلبان به آرای سفید و ممتنع**

در این بین محمد حقانی، عضو شورای شهر تهران چند روز پیش به صراحت از اجماع ۱۳ نفری اصلاح‌طلبان روی مسجدجامعی خبر داده بود.

یکی از این ۱۳ نفر محمدمهدی تندگویان است که بنا به گزارش روزنامه ایران، ابراز امیدواری کرد با افزایش تعداد آرای ممتنع در انتخابات امسال، شانس انتخاب مسجدجامعی افزایش یابد.

به گفته این عضو شورا «۲ عضو اصولگرا تصمیم گرفته اند رأی سفید بدهند». در همین گزارش اشاره شده که اسماعیل دوستی دیگر عضو اصلاح طلب گفته است: «هنوز با مستقل‌ها به توافق نرسیده‌ایم، اما اعتقاد دارم که ما نسبت به سال گذشته وضعیت بهتری داریم.» اصولگرایان اما اعتقادی جز این ندارند؛ ابوالفضل قناعتی هفته گذشته در گفت و گویی تصریح کرده بود: «هنوز اصولگرایان جلسه‌ای برای این انتخابات برگزار نکرده اند زیرا ترکیب این انتخابات برای اصولگرایان تغییری نخواهد کرد.»

■ **آغاز حاشیه‌ها با اجاره‌ای خواندن رأی ورزشکاران**

حاشیه‌های انتخابات فردا از چند روز قبل آغاز شده است. ابتدا ولی ا... شجاع پوریان عضو اصلاح طلب شورای شهر در مورد رایزنی با ورزشکاران شورا گفت: «با توجه به اینکه حضور و رأی آن‌ها تا حدودی اجاره‌ای محسوب می‌شد، ما با مشکلاتی مواجه شدیم.» استفاده از عبارت «رأی اجاره‌ای»، اعتراض رضازاده، جدیدی و دبیر را به دنبال داشت. از جمله عباس جدیدی در واکنشی جالب توجه گفت: «اگر بنده در کشتی افتخارآفرین بودم باید تا آخر عمر در کشتی بمانم؟ پوتین هم یک جودوکار است ولی الان به‌عنوان رئیس جمهور محبوب روسیه شناخته می‌شود.»

■ **شجاع پوریان: مهندس چمران از شانس بیشتری برخوردار است**

با این حال انتخابات هیئت رئیسه شورای چهارم فردا برگزار می شود؛ انتخاباتی که شجاع پوریان عضو اصلاح طلب شورا روز گذشته در روزنامه همدلی از احتمال پیروزی چمران خبر داد. به نوشته او «با ارزیابی شرایط، آقای مهندس چمران از شانس بیشتری برخوردار است، اما مسجدجامعی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.» به گفته او «۲ تن از ورزشکاران شورا دارای رای غیرقابل پیش‌بینی‌تری نسبت به سایر اعضا هستند و چرخش این دو به سمت هر یک از گزینه‌ها می‌تواند، اورا به ریاست شورا نزدیک کند.» همچنین روز گذشته الیاس حضرتی عضو فراکسیون امید با اشاره به جلسه اخیر اصلاح‌طلبان با ۴ ورزشکار عضو شورا گفت: هنوز فضا مبهم است و این افراد تعیین کننده هستند. در مقابل برخی فعالان اصلاح طلب مانند علی صوفی، عملکرد اصلاح‌طلبان شورای شهر چهارم را «غیر پخته و غیرمنسجم» خواندند. باید دید آیا ریاست چمران در این دوره شورای شهر به حلقه آخر می رسد یا سنگین وزن‌ها ترکیب را عوض خواهند کرد.

جدول آرای اعضای شورای شهر تهران در انتخابات‌های هیئت رئیسه

افرادی که در سال ۹۲ و ۹۳ به چمران رأی داده‌اند	مهدی چمران، علیرضا دبیر، حسین رضازاده، حبیب کاشانی، مرتضی طلایی، پرویز سروری، رضا تقی‌پور، عباس شیبانی، رحمت ا... حافظی، اقبال شاکری، مجتبی شاکری، ابوالفضل قناعتی، معصومه آباد، عبدالمقیم ناصحی و محسن پیرهادی
افرادی که در سال ۹۲ و ۹۳ به مسجدجامعی رأی داده‌اند	احمد مسجدجامعی، هادی ساعی، اسماعیل دوستی، محمدمهدی تندگویان، محمد سالاری، فاطمه دانشور، احمد حکیمی پور، محمد حقانی، عبدالحسین مختاباد، غلامرضا انصاری، محسن سرخو، ولی ا... شجاع‌پوریان، مسعود سلطانی فر (در سال ۹۳ علی صابری به جای او وارد شورا شد که او هم به مسجدجامعی رأی داد.)
افرادی که در ۲ انتخابات ۹۲ و ۹۳ چرخش رأی داشته‌اند	الهه راستگو، احمد دنیامالی و عباس جدیدی در سال ۹۲ به مسجدجامعی رأی دادند اما در سال ۹۳ به اردوگاه چمران رفتند.
گمانه‌زنی‌ها از ترکیب انتخابات ۹۴	تفکیک آرا در ۲ انتخابات سال‌های ۹۲ و ۹۳ رسما اعلام شد اما این اتفاق در سال ۹۴ رخ نداد. اما احتمالاً همان نتیجه سال ۹۳ تکرار شده است. افراد ثابت رأی دهنده به چمران در سال ۹۴ هم همین کار را کرده‌اند
پیش‌بینی انتخابات فردا	به نظر می‌رسد در انتخابات فردا ۱۳ نفری که در هر دو سال ۹۲ و ۹۳ به مسجدجامعی رأی داده‌اند، باز هم این کار را تکرار کنند. در جناح مقابل هم از ۱۵ رأی چمران در سال ۹۲ حداقل ۱۴ رأی آن تضمین شده است. در این میان علیرضا دبیر و ۳ نفری که در سال ۹۳ رأی خود را تغییر داده‌اند یعنی الهه راستگو، احمد دنیامالی و عباس جدیدی تعیین کننده خواهند بود.

دستاورد سفر ظریف به آمریکای لاتین

دوستانی که می‌توانند همچنان دوست باشند

آمریکای لاتین به لحاظ جغرافیایی شامل اکثر کشورهای نیمکره غربی به جز آمریکا و کانادا بوده و حدود ۶۰۰ میلیون جمعیت را شامل می شود. یکی از مزیت های استراتژیک کشورهای این حوزه دسترسی به دو اقیانوس آرام و اطلس است. کشورهای این حوزه از نظر ذخایر طبیعی از جمله معادن طلا، نقره، اورانیوم، نفت، گاز و... غنی بوده به طوری که ذخایر نفتی ونزوئلا (اولین ذخایر نفتی جهان) درصد قابل توجهی از کل میزان جهانی است و در یک منطقه که شامل شمال شیلی، آرژانتین و جنوب بولیوی است درصد بالایی از ذخایر جهانی لیتیوم وجود دارد. ذخایر گاز و نفت شیل جنوب آرژانتین و ذخایر آب شیرین آبخوان گوارانی میان برزیل، پاراگوئه و آرژانتین از بزرگترین ذخایر آب شرب جهان است و از لحاظ کشاورزی نیز دارای مستعدترین زمین قابل کشت بوده به طوری که بخش اعظمی از نیاز غلات جهان را تامین می کند. داشتن زبان مشترک و وجود رهبرانی همچون فرانسیسکو میراندا، سیمون بولیوار و... که به دنبال ایجاد اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین با رهبری منسجم و مستقل بودند تاریخ پر فراز و نشیبی در جدال با استعمارگران اروپایی ایجاد کرده است.

■ **یکی از نقاط اشتراک ایران با کشورهای مستقل آمریکای لاتین**

یکی از نقاط اشتراک ایران با کشورهای مستقل آمریکای لاتین وجود دشمنی مشترک است که ما آن را استکبار جهانی (ایالات متحده آمریکا) می نامیم و در آمریکای لاتین آن را امپریالیسم یا میراث خوار استعمارگران اروپایی می نامند. با نگاهی به نیم قرن گذشته می بینیم هم‌زمان با کودتای ۲۸ مرداد در ایران طرح یا عملیات کندور به اسم مبارزه با کمونیست بر ضد کشورهای مستقل دارای دولت های دموکراتیک با پشتیبانی مردمی، کودتای نظامی شده و نظامیان با کمک و پشتیبانی مستقیم و غیر مستقیم آمریکا به مدت ۲ دهه اریکه قدرت را در دست گرفته و سرکوب و کشتار از ابتدایی ترین حرکت های آنها بود مانند کودتای ژنرال پینوشه بر ضد دولت قانونی سالوادور آلنده در شیلی و همچنین کودتای نظامیان آرژانتینی بر ضد خوان دومینگو پرون و جنگ با دولت انقلابی کوبا و سرکوب انقلابیون در کشورهای دیگر این حوزه و تحریم های طولانی مدت که هنوز هم در برخی از کشورهای این حوزه ادامه دارد.

■ **کانالی که انحصار آمریکا را در سوئز پایان می دهد**

هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران مبارزان و انقلابیون نیکاراگوئه (ساندنیست ها) حکومت دست نشانده آمریکایی ها را سرنگون کرده و با روند دموکراتیک در دهه چهارم شاهد حضورشان هستیم که در دومین گام سفر، آقای ظریف با رهبر و رئیس جمهور انقلابی نیکاراگوئه آقای دانیل اورتگا دیدار داشت و اعلام آمادگی ایران برای کمک به طرح کانال نیکاراگوئه یکی از مباحث مطرح شده بود. در اهمیت این کانال که چینی ها ۲ سال است عملیات اجرایی آن را شروع کرده‌اند، می توان گفت انحصار کانال استراتژیک پاناما در تبادل کشتی های تجاری و محموله های اقتصادی را خواهد شکست و با وجود قابلیت تردد کشتی های با اوزان بیشتر از این کانال می توان آینده تسلط انحصاری آمریکا را پایان یافته دید.

■ **احساس خطر آمریکا**

در دو دهه گذشته رشد همگرایی در بین کشورهای مستقل این حوزه و ایجاد پیمان های منطقه‌ای سیاسی و اقتصادی مانند: مرکوسور، اناسور، آلبا، سلاک و... و کم‌رنگ شدن پیمان های مشترک با آمریکا کمک زیادی در نزدیکی کشورهای آمریکای لاتین کرده است، به طوری که همسایه شمالی (آمریکا) احساس خطر کرد و با نگاهی به مولفه های سیاست خارجی کشورهای این حوزه مانند تلاش برای به دست آوردن نقش مستقل در سیاستگذاری و خروج از فشار عوامل خارجی، اثرگذاری بیشتر در صحنه های منطقه‌ای و بین المللی، به دست آوردن جایگاه مناسب در تجارت جهانی، تقویت پیوندهای دوستی و تحکیم روابط با کشورهای خارج از حوزه سنتی (آمریکا و اروپا)، ایجاد همگرایی و مطرح شدن آمریکای لاتین در نظام بین المللی به عنوان یک زیر سیستم و تضمین رشد و جهش اقتصادی می تواند علت نزدیکی بیشتر کشورهای مستقل به سیاست های جمهوری اسلامی ایران باشد. با توضیح فوق پیداست که بسیاری از مؤلفه های سیاست خارجی منطقه آمریکای لاتین با مؤلفه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همخوانی و مطابقت دارد؛ از این رو، این احساس هماهنگی و همگنی طرفین در ادبیات سیاسی سبب شده است تا جمهوری اسلامی ایران در صدد توسعه و گسترش روابط با کشورهای منطقه باشد. از دیگر سو این مشابهت ها موجب شده که تعدادی از کشورهای این منطقه جزو کشورهای دوست و هم‌پیمان و تعدادی دیگر از کشورهای این منطقه از رده کشورهای متخاصم به رده کشورهای غیر متخاصم تغییر مسیر دهند.

■ **آمریکای لاتین در اولویت آخر دولت!**

از دیدگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منطقه آمریکای لاتین دارای توانمندی های بالقوه و بالفعل بسیاری است که می تواند موجد همکاری های دوجانبه و چندجانبه بین ایران و منطقه باشد. حال با توجه به سوابق همکاری برخی از کشورهای این حوزه در ۸ سال دفاع مقدس در زمانی که اروپا، آمریکا و حتی شوروی سابق پشت رژیم بعثی صدام بودند و شروع جدی روابط در اواخر دولت هشتم و حرکت نسبتا سریع تر در دولت نهم و کندی تدریجی در دولت دهم که بیشتر به تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای پرداخته شد و وعده های داده شده چه در بخش های سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی روندی کند به خود گرفت و در دولت یازدهم هم به صراحت در اولویت آخر برای خالی نبودن عریضه گنجانده شد، سفر اخیر آقای ظریف و به روایتی تنها سفر در این سطح بالاخره انجام شد. البته آمریکا از همبستگی منطقه ای که در دو دهه گذشته ایجاد شد احساس خطر کرد و با احیای ناوگان چهارم که بعد از جنگ دوم جهانی منحل شده بود با صرف هزینه های چند صد میلیونی در بخش های اطلاعاتی و امنیتی سعی در کنترل اوضاع این منطقه کرد.

■ **پیشی گرفتن روسیه و چین از ایران در آمریکای جنوبی**

لازم به توضیح است در این مدت روسیه و چین با این که از جمهوری اسلامی ایران عقب تر بودند با یک سیاست منطقی توانستند در ۸ سال گذشته به لحاظ سیاسی و اقتصادی نفوذ کنند. در بخش هایی حتی روسیه در برخی از کشورهای منطقه به گسترش همکاری نظامی پرداخت و به موازات آن چین، هند و آفریقای جنوبی با همکاری برزیل توانستند در قالب پیمان بریکس تحولات قابل توجهی را شکل بدهند و شاخصه های هژمونی یا ابرقدرتی آمریکا دست کم در حوزه اقتصاد از سوی قدرت های نوظهور اقتصادی بیش از هر زمان دیگری به چالش کشیده شد. از طرف دیگر آمریکا بعد از غفلتی که در لشگر کشی به غرب آسیا از آمریکای لاتین کرده بود با تقویت پایگاه های نظامی اش در کلمبیا و آمریکای مرکزی در مرحله اول جلوی گسترش کشورهای مستقل را گرفت و در مرحله بعدی با کودتاهای غیر مستقیم (نظامی در هندوراس، پارلمانی در پاراگوئه و فشار اقتصادی به مردم در آرژانتین و برزیل با استفاده از کودتای قوای وابسته به خود مانند قوه قضائیه در آرژانتین و برزیل و ادامه هجمه رسانه ای به این کشورها و ایجاد قحطی مصنوعی با استفاده از شرکت های بزرگ چند ملیتی صهیونیستی در ونزوئلا در جهت براندازی دولت مردمی مادورو) تا حدودی مهار این منطقه را به ظن خود به دست گرفته است. حال با توجه به سفر دیرهنگام وزیر محترم امور خارجه که با هیات بزرگ اقتصادی همراه شدند، آیا می تواند اطمینان از دست رفته کشورهای این حوزه را به خود جلب کند یا فعالیت های جدی چه در زمینه گسترش مناسبات سیاسی و به خصوص اقتصادی در این مدت کوتاه چند ماهه صورت خواهد پذیرفت؟

■ **تفاوت های شیلی با ۵ کشور دیگر**

شیلی تنها کشوری است که در فضای پسا برجام مانند دیگر کشورهای اروپایی صرفا دنبال استفاده اقتصادی بوده و با گسترش روابط سیاسی قصد صادرات محصولات خود را دارد و روابط با این کشور با ۵ کشور انقلابی تفاوت هایی دارد و از این روابط می توان به عنوان فرصتی در تبادل تجاری و اقتصادی بهره برد. البته با بیان استفاده حداکثری از فضای پسا برجام و رویکرد فعالیت اقتصادی در خدمت دیپلماسی وزارت امور خارجه و چرخش جدید در روند سیاست در معادلات روابط با دیگر کشورها با استفاده از دیپلماسی اقتصادی که آن را از دستاوردهای پسا برجام نامیده اند امید است از این بستر بشود استفاده مطلوبتری را کرد. پس از عملیاتی شدن برجام با ۸ ماه تاخیر به هر علتی آخرین گزینه یعنی حوزه کشورهای آمریکای لاتین به چهارمین سال دولت محترم یازدهم رسیده که به نظر می رسد در فرصت باقی مانده به منظور تنوع بخشی به محدوده تجاری و اقتصادی کشورمان و در راستای اقتصاد مقاومتی نیاز به شتاب بیشتری است. نتایج این سفر را در صورت تحقق می توان حفظ و توسعه روابط با دولت های این منطقه و بسط و توسعه مناسبات اقتصادی بدون واسطه و بهره برداری از پیوند دانشگاهی و علمی و فرهنگی و همچنین تقویت جبهه چندجانبه گرایی و استفاده در تصمیم سازی های بین المللی برشمرد.

مهرداد رشیدیان، کارشناس ارشد آمریکای لاتین
منبع: دیپلماسی ایرانی